

شالوده شکنی یک تاریخ اسطوره ای

چگونگی برساختن قوم یهود

نوشته شلومو سند*

* تاریخ نگار، استاد دانشگاه تل آویو، نویسنده کتاب چگونگی برساختن قوم یهود
برگردان ویدا امیر مگری

آیا یهودیان یک قوم اند؟ یک تاریخ نگار اسرائیلی به این پرسش کهن پاسخی نوین می دهد. به خلاف عقیده رایج، یهودیان نه در نتیجه بیرون رانده شدن عبرانیان از فلسطین بلکه به سبب به آیین یهود گرویدن مردمان در آفریقای شمالی، جنوب اروپا و خاور میانه در جایهای گوناگون پراکنده شده اند. این نظر یکی از بنیادهای اندیشه صیونیست را، که مدعی است یهودیان بازماندگان پادشاهی داوود اند و نه - خدای نکرده - وارثان جنگجویان بربر یا سواران قوم خزر، به لرزه می افکند.

تک تک اسرائیلیها به این امر اطمینان مطلق دارند که قوم یهود از هنگامی که تورات (۱) در صحرای سینا بر او نازل شد وجود دارد و ایشان خود نوادگان مستقیم و انحصاری آن قوم هستند. همگان خود را متقاعد نموده اند که این قوم پس از خروج از مصر در «سرزمین موعود» مستقر شده که در آن قلمرو شکوهمند داوود و سلیمان پی افکنده شده و سپس میان دو سرزمین یهودیه (۲) و اسرائیل تقسیم گردیده. به همین منوال هیچ کس از این امر بی خبر نیست که قوم یهود دو بار ناگزیر به ترک سرزمین خود شده: بار نخست پس از ویرانی نخستین

لوموند دیپلوماتیک: ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

نیایشگاه در سده ششم پیش از میلاد و بار دوم پس از ویرانی دومین نیایشگاه در سال ۷۰ پس از میلاد.

از آن پس دوران سرگردانی آغاز شد که تقریباً دوهزار سال به درازا کشید: راه قوم یهود، از پس سفرهایی دشوار، به یمن، مراکش، اسپانیا، آلمان، لهستان و اعماق روسیه انجامید؛ اما این قوم توانست همواره وابستگی خونی میان گروههای از هم دور افتاده خود را حفظ کند. چنین شد که یگانگی اش تباہ نشد. در پایان سده نوزدهم شرایط مناسب برای بازگشت آن به میهن باستانی اش فراهم شد. اگر نسل کشی نازیها روی نداده بود، میلیونها یهودی به صورت طبیعی دوباره در ارتص اسرائیل (سرزمین اسرائیل) (۳) جای گرفته بودند، چرا که بیست سده بود که آنان این خیال را در سر می پروراندند.

فلسطین سرزمینی دست نخورده بود، در انتظار آن که همان قومی که در آغاز از او برخاسته بود بیاید و دوباره به بارش بنشاند. چرا که این سرزمین از آن آن قوم بود، نه از آن این اقلیت بی بهره از تاریخ که به تصادف از اینجا سر در آورده بود. بنابراین جنگهایی که قوم سرگردان برای بازپس گرفتن سرزمین خود کرد به حق بود و مخالفت سرسختانه مردم محلی نامشروع.

این تفسیر تاریخ یهود از کجا سرچشمه می گیرد؟ این تفسیر کار افراد با استعدادی است که از نیمه دوم سده نوزدهم به بازسازی گذشته پرداخته اند و نیروی تخیل زاینده شان بر مبنای قطعه های پراکنده یادگارهای دینی، چه یهودی و چه مسیحی، زنجیره پیوسته ای از نیاکان قوم یهود بر ساخته است. البته در آثار فراوانی که درباره تاریخ دین یهود نگاشته شده اند رهیافتهای فراوان و گوناگونی یافت می شود. اما بحثها و اختلاف آرای درونی این تاریخ نگاری هیچ گاه دریافتهای جوهر گرای (۴) ساخته و پرداخته در پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم را به چالش نکشیده اند.

هنگامی هم که چیزهایی که ممکن بود خلاف تصویر سراسر گذشته باشند کشف می شد این کشفیات تقریباً هیچ انعکاسی نمی یافت. حکم مصلحت ملی بود که چون آرواره هایی که محکم بسته شده باشند سدی می شد در برابر امکان هر نوع مخالف خوانی یا انحراف از روایت غالب. مراجع ویژه تولید دانش درباره گذشته یهودیان به بروز این حالت نیمه فلج یاری بسیار کرده اند

لوموند دیپلوماتیک: ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

— این مراجع دپارتمانهای از دانشگاه هستند که انحصارا به «تاریخ یهودیت» تخصیص داده شده اند و از دپارتمان تاریخ (که در اسرائیل «تاریخ عمومی» خوانده می شود) کاملا مجزا هستند. حتی این بحث حقوقی که «چه کسی یهودی محسوب می شود؟» ذهن این تاریخ نگاران را به خود مشغول نساخته است: از نظر آنان همه اسلاف آن قومی که دو هزار سال پیش ناگزیر از ترک سرزمین خود گردید یهودی محسوب می شوند.

این پژوهشگران «مجوز دار» گذشته در بحثی که در پایان سالهای ۱۹۸۰ در میان «تاریخ نگاران نوین» در گرفت نیز شرکت نکردند. بیشتر بازیگران این مباحثه عمومی، که شمارشان نیز محدود بود، از رشته های دانشگاهی دیگر یا از خارج از دانشگاه برخاسته بودند: جامعه شناسان، خاورشناسان، زبان شناسان، جغرافی دانان، متخصصان علوم سیاسی، پژوهشگران ادبی و باستان شناسان به بیان اندیشه های نوینی درباره گذشته یهودیان و صیونیسیم پرداختند. در میان آنان چند تنی هم فارغ التحصیلان دانشگاههای خارج از کشور بودند. در عوض از «دپارتمانهای تاریخ یهودیت» در این میان هیچ صدایی برخاست مگر گفته هایی ترسان و محافظه کارانه، پیچیده در زبانی ثقیل و توجیه گر اندیشه های پیش پا افتاده و نخ نما.

خلاصه این که پس از شصت سال تاریخ ملی هنوز خام مانده است و به احتمال زیاد به این زودیا هم تحولی در آن ایجاد نخواهد شد. با وجود این، رویدادهایی که در نتیجه پژوهشها حقیقتشان آشکار شده است پرسشهایی را در ذهن هر تاریخ نگار باوجدانی بر می انگیزند که در نگاه اول تعجب آور به نظر می رسند، اما جنبه ای بنیادین نیز دارند.

آیا می توان کتاب مقدس (۵) را کتابی تاریخی دانست؟ نخستین تاریخ نگاران یهودی مدرن، مانند ایزاک مارکوس یوست (۶) یا لئوپولد تسونتس (۷) در نیمه نخست سده نوزدهم چنین برداشتی نداشتند: از دید آنان، عهد عتیق کتاب مبنای دین شناسی برای گروههای مذهبی یهودی پس از ویرانی نخستین نیایشگاه بود. در نیمه دوم سده نوزدهم تاریخ نگارانی پیدا شدند با دریافتی «ملی» از کتاب مقدس، در این میان در درجه نخست باید از هاینریش گرایتس (۸) نام برد: این تاریخ نگاران داستانهای عزیمت ابراهیم به سوی کنعان و بیرون شدن از مصر یا داستان سرزمین یکپارچه داوود و سلیمان را به روایتهای یک گذشته اصیل ملی بدل کردند. از

لوموند دیپلوماتیک: ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

آن هنگام تا کنون، تاریخ نگاران صیونیست از تکرار «حقایق مندرج در کتاب مقدس» باز نایستاده اند و این حقایق هر روز در نظام آموزش و پرورش کشوری به خورد شاگردان داده می شوند.

اما ناگهان در دهه ۱۹۸۰ زمین لرزید و این افسانه های بنیادین را تکان داد. اکتشافات باستانشناسی نوین امکان یک کوچ (۹) بزرگ در سده سیزده پیش از میلاد را نفی می کنند. به همین منوال، موسی نمی توانسته عبرانیان را از مصر خارج و به سوی «سرزمین موعود» هدایت نماید؛ دلیل محکم این امر آن است که در آن دوران این سرزمین... در اختیار مصریان بود. به علاوه، نه از شورش بردگان در سرزمین فراعنه اثری یافت می شود، نه از تسخیر سریع کشور کنعان به دست عنصری بیگانه.

از پادشاهی شکوهمند داوود و سلیمان نیز نشانه یا یادگاری برجای نیست. کشفیات دهه گذشته نشانگر وجود دو پادشاهی کوچک در آن دوران است: اسرائیل، که توانمندتر بوده است، و یهودیه. ساکنان پادشاهی دوم نیز در سده ششم پیش از میلاد ناچار به تبعید نشدند: تنها نخبگان سیاسی و روشنفکرانشان مجبور شدند ساکن بابل شوند. در نتیجه این برخورد تعیین کننده با آیینهای ایرانی، یکتاپرستی یهودی زاده شد.

آیا تبعید سال ۷۰ میلادی حقیقتاً روی داده است؟ مایه شگفتی است که درباره این «رویداد بنیادین» تاریخ یهودیان که مبنای «پراکندگی قوم یهود» (۱۰) محسوب می شود، کمترین کار تحقیقی انجام نشده است. دلیل این امر بسیار پیش پا افتاده است: رومیان هرگز یکی از اقوام سمت خاور دریای مدیترانه را تبعید نکردند. به استثنای اسیرانی که به بردگی واداشته شدند، ساکنان یهودیه حتی پس از ویرانی نیایشگاه دوم نیز به زندگی در زمینهای خود ادامه دادند.

بخشی از آنان در سده چهارم میلادی به مسیحیت گرویدند، در حالی که اکثریت بزرگشان به هنگام پیروزی اعراب در سده هفتم میلادی به دین اسلام پیوستند. بیشتر اندیشمندان صیونیست از این همه باخبر بودند: ایتسهاک بن زوی (۱۱)، که بعدها رئیس جمهوری اسرائیل شد و همچنین داوید بن گوریون (۱۲) بنیانگذار کشور، تا سال ۱۹۲۹، زمان شورش بزرگ

لوموند دیپلوماتیک: ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

فلسطینیان، خود همین مطالب را نوشته اند. هر دو چندین بار یاد آور می شوند که دهقانان فلسطین نوادگان ساکنان سرزمین باستانی یهودیه اند (۱۳).

پس اگر پس از غلبه روم کسی از فلسطین تبعید نشده است، یهودیان پرشماری که از دوران باستان در کرانه های مدیترانه ساکن شده اند از کجا آمده اند؟ پشت پرده تاریخ نگاری ملی یک واقعیت تاریخی شگفت انگیز نهفته است. از هنگام شورش خانواده ماکابیم (۱۴) در سده دوم پیش از میلاد تا شورش بارکوخبا (۱۵) در سده دوم میلادی دین یهود رتبه اول را در میان دینهایی که به تبلیغ خود می پرداختند داشت. خاندان حکومتگر هاسمونیان (۱۶)، ایدومیان (۱۷) ساکن جنوب یهودیه و ایتوریان (۱۸) ساکن منطقه گالیله (۱۹) را به زور وادار به گرویدن به دین یهود نموده و آنان را به « مردم اسرائیل » ملحق کرده بودند. پادشاهی یهودی-هلنیستی هاسمونیان کانونی شد برای گسترش دین یهود در سراسر خاور میانه و در کناره های دریای مدیترانه. در سده نخست پس از میلاد، در سرزمین کنونی کردستان پادشاهی یهودی آدیابن (۲۰) پدید آمد که آخرین پادشاهی ای هم نخواهد بود که پس از یهودیه « یهودی می شود»: چندین نمونه دیگر نیز از آن پس چنین خواهند کرد.

نوشته های فلاویوس ژوزف (۲۱) تنها گواه شوری که یهودیان در تبلیغ دین خود می نهادند نیست. از هوراس (۲۲) گرفته تا سنک (۲۳)، از ژوونال (۲۴) تا تاسیت (۲۵)، بسیاری نویسندگان لاتین بیم خود را از آن ابراز نموده اند. میشناو تلمود (۲۶) هر دو این تلاش در جذب دیگران به دین یهود را مجاز می شمارند گر چه پیران سنت تلمودی، در مواجهه با فشار فزاینده مسیحیت در تأیید این رویه برخوردی تردیدآمیز و محتاطانه دارند.

پیروزی دین مسیح در آغاز سده چهارم به گسترش دین یهود پایان نمی دهد، اما فعالیت تبلیغی یهودیان را به حاشیه های حوزه فرهنگی مسیحیت می راند. بدین گونه است که در سده پنجم، در جایی که اکنون کشور یمن وجود دارد، یک پادشاهی توانمند یهودی به نام حمیر پدید می آید که بازماندگان آن دین خود را پس از پیروزی اسلام و تا دوران کنونی نیز حفظ خواهند نمود. همچنین، وقایع نگاران عرب از وجود قبائل بربر گرویده به دین یهود در سده هفتم خبر می دهند: در برابر فشار هجوم اعراب که در پایان همین سده به شمال آفریقا رسیدند، چهره

لوموند دیپلوماتیک: ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

افسانه ای شهبانوی یهودی دیهیا الکاهینا(۲۷) پدیدار می شود که می کوشد این هجوم را باز دارد. بربرهای گرویده به دین یهود در فتح شبه جزیره ایبریا شرکت خواهند داشت و در آنجا پایه های همزیستی ویژه یهودیان و مسلمانان را که خاص فرهنگ اسپانیایی-عربی است خواهند گذاشت.

مهمترین گرویدن گروه گروه به دین یهود در منطقه ای میان دریای سیاه و دریای خزر روی می دهد: در پادشاهی قوم خزر در سده هشتم. گسترش دین یهود از قفقاز تا اوکراین کنونی چندین گروه مختلف یهودی پدید می آورد که در اثر هجوم مغول شمار بسیاریشان به سوی خاور اروپا رانده می شوند. در آنجا، این گروهها به همراهی یهودیانی که از مناطق اسلاو جنوب و سرزمینهای کنونی آلمان آمده اند فرهنگ بزرگ ییدیش(۲۸) را پی ریزی می کنند.

حدودا تا دهه ۱۹۶۰، این روایتهای اصل و نسب چندگانه یهودیان کم و بیش آمیخته با تردید در تاریخ نگاری صیونیست یافت می شوند: از این زمان به بعد، این روایتها به تدریج به حاشیه رانده می شوند، تا جایی که بکلی از حافظه عمومی در اسرائیل رخت بر می بندند. فاتحان شهر داوود در سال ۱۹۶۷ می بایستی بازماندگان مستقیم پادشاهی اسطوره ای او باشند، نه خدای نکرده وارثان جنگاوران بربر یا سواران قوم خزر. بدین ترتیب چنین به نظر می رسد که یهودیان خود « قومی» اند که پس از دو هزار سال تبعید و سرگردانی عاقبت به اورشلیم پایتخت خود باز گشته است.

مدعیان این روایت خطی و یکپارچه فقط آموزش تاریخ را به کار نگرفته اند: آنان دانش زیست شناسی را نیز به خدمت خود فرا خوانده اند. از دهه ۱۹۷۰ به این سو، یک سری پژوهشهای «علمی» می کوشند از هر راه ممکن خویشاوندی ژنتیک یهودیان سراسر جهان را به اثبات برسانند. اکنون دیگر « پژوهش درباره اصل و ریشه جمعیتها» یک حوزه مشروع و محبوب زیست شناسی مولکولی به شمار می رود، ضمن این که کروموزوم نرینه Y در این جست و جوی دیوانه وار یگانگی « قوم برگزیده» جایگاهی افتخاری در کنار کلیو، الهه یهودی تاریخ به خود اختصاص داده است.

لوموند دیپلوماتیک: ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

این دریافت تاریخی مبنای سیاست هویتی دولت اسرائیل را تشکیل می دهد. و کار از همین جا می لنگد! در واقع، این دریافت تعریفی جوهر گرا از دین یهود به دست می دهد که در آن عنصر قومی مرکزیت دارد و سبب برقراری نوعی تفکیک انسانها از یکدیگر می شود که در آن یهودیان را از غیر یهودیان جدا می نمایند - چه این غیر یهودیان عرب باشند، چه مهاجر روس، چه کارگر خارجی.

شصت سال پس از تأسیس، اسرائیل همچنان از تصور خود به صورت جمهوری ای که وجودش از آن همه شهروندانش است سر باز می زند. در حدود یک چهارم این شهروندان یهودی محسوب نمی شوند و این کشور، بنا بر روح قوانینش از آن آنان نیست. در عوض، اسرائیل همچنان خود را به عنوان کشور یهودیان سراسر جهان می شناساند، اگر چه اینان دیگر نه پناهندگانی تحت آزار و تعقیب، بلکه شهروندانی باشند برخوردار از تمامی حقوق خود که در برابری کامل در کشورهای محل اقامتشان زندگی می کنند. می توان گفت که یک قوم سالاری بی حد و مرز توجیه گر تبعیض شدیدی است که این کشور با توسل به اسطوره ملت ابدی که برای جمع شدن در « سرزمین نیاکان خود» دوباره متشکل شده، بر بخشی از شهروندان خود روا می دارد.

بنا بر این، نوشتن تاریخی نوین برای یهودیان، بی آن که نگاه تاریخ نگار از خلال منشور صیونیسیت بگذرد، کار ساده ای نیست. پرتوهای نوری که در گذر از این منشور می شکنند به رنگهای قوم گرایانه تندی در می آیند. در حقیقت یهودیان همیشه گروههای مذهبی ای شکل داده اند که در بیشتر موارد در پی تغییر دین به یهودیت در مناطق گوناگون جهان تشکیل شده اند: پس این گروهها نمایندگان یک « قوم» با اصل و نسبی یگانه و یکسان که در طی بیست سده سرگردانی از جایی به جایی رفته باشد نیستند.

می دانیم که در توسعه هر نوع تاریخ نگاری و به طور کلی در فرایند مدرنیته زمانی صرف بر ساختن ملت می شود. این کار در طول سده نوزدهم و بخشی از سده بیستم میلیونها انسان را به خود مشغول داشته بود. پایان سده بیستم صحنه آغاز به باد رفتن برخی از این رؤیایها شد. اکنون شمار فزاینده ای از پژوهشگران به تحلیل، کالبد شکافی و شالوده شکنی روایتها بزرگ

لوموند دیپلوماتیک: ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

ملی می پردازند، بویژه اسطوره های اصل و نسب مشترک که در وقایع نگاریهای دوران گذشته مقام شامخی داشتند. کابوسهای هویتی دیروز، فردا به رؤیاهای هویتی دیگری جای خواهند سپرد. چون هر شخصیت مرکب از هویت‌های گوناگون و متغیر، تاریخ نیز هویتی پویا دارد.

۱- تورات - ریشه عبری *یارا* معنای آموزش دادن می دهد - متن بنیادین دین یهود، مرکب از پنج فصل نخست کتاب مقدس یا همان اسفار پنج گانه است: سفر آفرینش، سفر خروج، سفر لاویان، سفر اعداد و سفر تثنیه.

Judée - ۲

Eretz Israël - ۳

Essentialiste - ۴

La Bible - ۵

Isaak Markus Jost - ۶

Léopold Zunz - ۷

Heinrich Graetz - ۸

اوت ۲۰۰۸

لوموند دیپلوماتیک: ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

Exode - ۹

Diaspora - ۱۰

Yitzhak Ben Zvi - ۱۱

David Ben Gourion - ۱۲

۱۳- نگاه کنید به کتاب *ارتص اسرائیل در گذشته و اکنون* نوشته داوید بن گوریون و ایتسهاک بن زوی، چاپ ۱۹۱۸ به زبان ییدیش و چاپ ۱۹۸۰ به زبان عبری در اورشلیم، نشر بن زوی. همچنین نگاه کنید به کتاب *جمعیت ما در کشور*، به زبان عبری، چاپ ۱۹۲۹ در ورشو، نشر کمیته اجرایی اتحادیه جوانان و صندوق ملی یهود.

Makabim - ۱۴

Bar Kokhba - ۱۵

Hasmonéens - ۱۶

Iduméens - ۱۷

Ituréens - ۱۸

Galilée - ۱۹

Adiabène - ۲۰

Flavius Josèphe - ۲۱

Horace - ۲۲

اوت ۲۰۰۸

لوموند دیپلوماتیک: ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

۲۳ - Sénèque

۲۴ - Juvénal

۲۵ - Tacite

۲۶ - میشنا را نخستین کتاب ادبیات آموزشی دین یهود می دانند؛ نگاشتن آن در سده دوم میلادی به پایان رسیده است. تلمود اثری است تلفیقی از کلیه بحثهای میان علمای دین یهود درباره قوانین، عرفها و تاریخ یهودیان. دو کتاب تلمود وجود دارد: تلمود فلسطین، که بین سده های سوم و پنجم نگاشته شده، و تلمود بابل، که در پایان سده پنجم تکمیل شده است.

۲۷ - Dihya-el-Kahina

۲۸ - ییدیش زبانی است اسلاو-آلمانی که حاوی واژه هایی عبری نیز هست و زبان یهودیان شرق اروپاست